ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۳ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸ | اذان صبح فردا ۵/۲۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۵

سخن روز

امام موسی کاظم(ع) فرمودند:
کم‌گویی، حکمت بزرگی است، بر شما باد به خموشی که آسایش نیکو و سبک‌باری و سبب تخفیف گناه است.
(بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۱)

نـــگاره
احمدرضا سهرابی

شگفتی‌های فوتبال

شاید جشنواره تئاتر کودک و نوجوان از همدان برود

امیر مشهدی‌عباس: بیست‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان، جشنواره سختی بود، چراکه زمان برگزاری آن دوبار به‌دلیل کرونا تغییر کرد و آثار بی‌نظیری را در بخش بین‌الملل از دست دادیم؛ درحالی‌که امسال در بخش بین‌الملل می‌توانست خیلی متفاوت‌تر از سال‌های گذشته باشد. از دیگر سختی‌های برگزاری جشنواره، حجم بالای آثار متقاضی برای شرکت در این دوره بود. تصمیماتی درباره جشنواره کودک و نوجوان گرفته شده است که به نظر من برخی از آنها تصمیمات درستی نیست. شاید در گذشته تصمیمات درست و معقولی بوده اما در حال حاضر این‌طور نیست. توافقنامه‌های قبل نیاز به تجدیدنظر و اصلاح دارد، چراکه کارهایی انجام شده است که شاید برای سال بعد نباید انجام شود. بهترین تماشاگران ما در طول سال‌های جشنواره، مردم پرشور و علاقه‌مند شهر همدان بوده و هستند اما وقتی شهری به هر علتی نمی‌تواند به‌خوبی عمل کند، نباید برگزاری یک جشنواره بین‌المللی را برعهده بگیرد و به همین دلیل شاید جشنواره تئاتر کودک و نوجوان از همدان برود.

بخشی از صحبت‌های دبیر این جشنواره در گفت‌وگو با ایران‌تئاتر

کاش تا دل می‌گرفت و می‌شکست
دوست می‌آمد کنارش می‌نشست!
کاش می‌شد روی هر رنگین کمان
می‌نوشتم «مهربان» با من بمان!!!
کاش می‌شد کاش‌های زندگی
تا شود در پشت قاب بندگی

نیما یوشیج

تاریخ هنر، تاریخ دیدار غیر او

یادداشت

محسن نفر
آهنگ‌ساز، پژوهشگر، مدرس موسیقی و نوازنده تار و سه تار

اصلاً هنر، انفتاح است! گشودن دریچه‌ای برای مشاهده او. مشاهده او، مشاهده آثار و خلقتش است! و همین جا است که راهزنی آغاز می‌شود. همین جا است که کجروی و خطا، نطفه می‌بندد! اینکه غیر او را محصول و مخلوق او نبینی و مستقل از او ببینی!

مشاهده خلقت او، فرصت عظیمی برای مشاهده غیر اوست. چرا فرصت عظیم؟! زیرا بی‌نهایت دیدنی هست و بی‌نهایت فرصت برای دیدن آنها لازم است و این یعنی بی‌نهایت مشاهده غیر او!

دیدن، یعنی تقرب. هرچه بینی، به آن نزدیک می‌شوی! و هرچه نبینی، از آن دور می‌شوی! زیرا دیدن، مقدمه شناخت است و ندیدن، نشناختن است! چرا بشر طالب و بلکه مشتاق دیداراست؟! زیرا با دیدن و در دیدار، آشنا می‌شود! می‌شناسد! و تقرب می‌یابد! نقیضش هم صادق است! با ندیدن، آشنایی و شناخت و تقرب و وصال منتفی است. چرا هنر؟ برای دیدن و دیدار! به منظور آشنایی و شناخت و نزدیکی و وصال! هنر، پنجره دیدار است!

روزنه خوشایندی که می‌توان از آن نگاه کرد! نگاه! یعنی دیدن عمیق! دیدن از روی میل! دیدن اختیاری! این پنجره برای دیدن هر آنچه ندیدی و هر آنچه دیدی و ندیدی، است؟ چه بودند آنها که دیدیم و ندیدیم؟ همه آنهایی که دیدیم ولی نگاهشان نکردیم! دیدن، چشم انداختن است. درچشم اندازی، به چشم برهم زدنی، می‌بینی! طول دیدن، مساوی با زمان چشم بر هم زدن است. چگونه می‌توان در طرفة العینی، دید و شناخت و تقرب یافت؟ شناختن و تقرب، به زمانی بیش از آن محتاج است! این زمان بیش، در نگاه کردن، جمع آمده است. نگاه کردن، دیدن با تأنی و درنگ است! دیدن سیری‌ناپذیر! دیدن عمیق و با توجه! هنر، پنجره دیدن است. هرگاه دیدن، به نگاه تبدیل شود، هنر، سرنوشت سازمی‌شود! بسیاری از آثارهنری فقط بهای دیدن دارند و چه بسیار آثاری که ارزش دیدن هم ندارند. دیدن هم منحصر به چشم و بصرنیست! هرآنچه آلت حسی برای مواجهه با هنربه شمار می‌رود، مفهوم دیدن می‌گیرد. مانند شنیدن! شنیدن، آلت حسی برای اصوات است. اگر صدایی می‌شنوی، آن را می‌بینی ولی نه با چشم! دیدن، برای فهمیدن است! با شنیدن، می‌فهمیم! می‌شناسیم! نزدیک می‌شویم و عشق می‌ورزیم. پس دیدن و شنیدن، هر دو یکی است. زیرا هر دو برای فهمیدن و شناخت و تقرب است.

بسیاری از آثارهنری شایسته دیدن و شنیدن نیستند. همان‌طور که دیدن با نگاه کردن تفاوت بنیادی دارد، شنیدن هم با گوش کردن، متفاوت است عمیقاً. بشرباید ببیند تا نگاه کند وهمینطور باید بشنود تا گوش کند! اگر هنر، پنجره دیدن و شنیدن باشد، با غیرهنر فرقی نمی‌کند! درواقع، غیرهنر، بجای آن نشسته است ولی امتیاز آن را تصاحب کرده است! هنر، برای دیدن و شنیدن نیست! چون غیرهنر، دراین مقام قراردارد! تفاوت ماهوی هنربا غیرهنر، تفاوت دیدن ونگاه کردن و شنیدن و گوش سپردن است! هنر، برای نگاه و گوش است نه دید و شنید! بسیارچیزها می‌بینی و می‌شنوی که بهتر است نمی‌دیدی و نمی‌شنیدی! اصلاً تقوا یا خویشتن‌داری، همین است که چشم و گوش را از معرض بسیار چیزها دور بداری! یعنی خیلی موارد را نبینی و نشنوی! حال هنر و اخلاق چگونه پیوند می‌خورند؟! اینگونه که این اصل، مخدوش و فراموش نشود! بعضی ماهیت هنر را طوری متفاوت می‌بینند که همه پرهیزهای اخلاقی را در قاب هنر، موجه و مجاز می‌دانند! گویا هنر مجوز عبور از خطوط قرمز اخلاق را اخذ کرده است! و همین نقطه است که هنر از جلال به ضلال تبدیل می‌شود! اگر هنر، پنجره دیدن ممنوعات باشد، پیوندش از اخلاق می‌گسلد و آیینه دیدار غیر او می‌شود! غیراو هم، بی‌نهایت است! مانند خالقشان، بی‌نهایت‌اند. کثرت نامتناهی! هر فردی از این کثرت، راهزن می‌شود. چون غیر او است، به غیر او می‌برد. غیر او را می‌شناسد. به غیر او، راهبر و مقرب می‌شود! تاریخ هنر، تاریخ غیر او است. زیرا پنجره‌ای برای دیدن غیراو است! از پنجره هنر، همه چیز گزیده است و گزیده دیده و شنیده می‌شود! هر آنچه تو دیدی و نفهمیدی، از پنجره هنر می‌بینی و می‌فهمی! اگر آن، دیدارغیر او باشد، به چه کس، شناخت و تقرب و وصال می‌یابی؟!

تئاتر مقاومت؛ جشنواره‌ای نه فقط برای تهران

یادداشت

وحید شیخی
منتقد

حدود ۲۹ سال پیش یعنی سال ۱۳۷۲ یادواره تئاتر دفاع مقدس فعالیت خود را آغاز کرد. این رویداد تا به امروز در دل خود هنرمندان بسیاری را به هنر ایران معرفی کرده است. معاونت هنری بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس همت کرد تا این رویداد تئاتری را برگزار کند. در همان سال هم امیر دژاکام به‌عنوان دبیر نخستین دوره معرفی شد.

آنها کار خود را در دفتر کوچکی در خیابان شهید مطهری آغاز کردند و امروز به یکی از رویدادهای معتبر عرصه هنر تبدیل شده‌اند. این رویداد در حال حاضر هجدهمین دوره خود را پشت سرمی‌گذارد. رویدادی که عنوانش به «جشنواره تئاتر مقاومت» تغییر کرده است و امسال برای نخستین بار به‌صورت بین‌المللی برگزار می‌شود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هجدهمین دوره جشنواره تئاتر مقاومت، تمرکز زدایی این رویداد است. دبیر این جشنواره وحید فخرموسوی و دبیر اجرایی آن محراب محمدزاده تصمیم گرفتند تا این رویداد را از تهران خارج کنند. آنها می‌دانستند که این کار چه زحماتی بر دوش‌شان اضافه خواهد کرد. اما تصمیم خود را گرفتند و آن را عملی کردند.

جشنواره‌های سراسری، معمولاً در یک بازه زمانی مشخص در تهران برگزار می‌شوند. به‌عنوان مثال جشنواره‌ای مانند تئاتر فجر، که در مدت ۵ یا ۶ روز در تهران برگزار می‌شود و همان جا هم پرونده آن بسته می‌شود.

اما هجدهمین جشنواره تئاتر مقاومت از همان گام نخست کار خود را به صورتی جهادی آغاز کرد. آنها بخش نخست بین‌الملل را در عراق برگزار کردند. روزهای پیاده‌روی اربعین در شهریور امسال سیزده گروه تئاتری از سوی جشنواره تئاتر مقاومت به عراق اعزام شدند تا اجراهایی را برای زائران کربلا داشته باشند. این سیزده گروه در مسیر پیاده‌روی اربعین مستقر شدند و هر روز اجراهایشان را برای زائران کربلا در مسیر پیاده‌روی اربعین برگزار می‌کردند.

جالب اینکه این اجراها با استقبال ویژه‌ای از سوی زائران کربلا مواجه شد.

گام دوم جشنواره سفر به یزد بود که در آنجا بخش «تئاتر خیابانی» با سیزده گروه از هنرمندان عرصه تئاتر خیابانی به یزد رفتند و اجراهای این بخش را به صحنه بردند. این بخش در حالی برگزار شد که کشور درگیر اغتشاشات در شهرهای مختلف کشور بود. اما هنرمندان عرصه تئاتر، مردانه آمدند و پای کار ایستادند تا بخش خیابانی جشنواره هم به بهترین شکل برگزار شود.

هنگام برگزاری بخش خیابانی در یزد، حضور هنرمندان یزدی به شدت چشمگیر بود. هنرمندانی که آمدند و هم در برگزاری این رویداد کمک‌های بسیاری کردند و هم اجراهای خوبی را به صحنه بردند. در این بخش کارگاه‌های آموزشی هم برگزار شد که استقبال هنرجویان یزدی از این کارگاه‌ها فوق‌العاده بود.

از میان اجراهای بخش خیابانی که در یزد برگزار شدند، پنج اجرا به طور مستقیم به جشنواره تئاتر فجر دعوت شدند. شاید مهم‌ترین نتایج خارج کردن جشنواره‌های سراسری از تهران، همین جوش و خروشی است که در هنرمندان و هنرجویان شهرستانی ایجاد می‌شود.

بخش سوم جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت هم در شیراز برگزار شد. این بخش به «رادیو تئاتر» اختصاص داشت. این بار یازده گروه به شیراز رفتند تا اجراهای بخش «رادیو تئاتر» را به صحنه ببرند. اجراهایی که کیفیت بالایی در این بخش را به نمایش گذاشتند. در این بخش هم چهار اجرا به طور مستقیم به جشنواره تئاتر فجر دعوت شدند. در شیراز هم حضور هنرمندان این استان چشمگیر بود و جشنواره باز هم به هدفش یعنی فعال کردن هنرمندان شهرستانی رسید.

هجدهمین جشنواره تئاتر مقاومت در گام پایانی‌اش به مشهد مقدس خواهد رفت. در این بخش گروه‌هایی به جشنواره می‌آیند که در بخش صحنه‌ای پذیرفته شده‌اند. این بخش شاید مهم‌ترین قسمت جشنواره باشد.

به این ترتیب جشنواره تئاتر مقاومت در هجدهمین دوره‌اش توانسته، امر تمرکززدایی را عملی کند. جشنواره را از تهران خارج کرده و استان‌های مختلف را درگیر این رویداد کرده است. در نهایت فضای بهتر و وسیع‌تری برای درخشش هنرمندان شهرستانی فراهم شده است. این همان مفهوم و هدف تمرکززدایی است.

شاید زمان آن فرا رسیده که دیگر رویدادهای هنری هم با الگوبرداری از هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت، در راستای تمرکززدایی گام بردارند.

جایی برای آموزش و تفریح

پیشنهاد

مهدی ابراهیمی
پژوهشگر

آیا حرفه کتابداری عمومی همچنان به ارزش‌های اساسی خود اعتماد دارد یا در مورد نحوه دفاع از این ارزش‌ها سردرگم شده است؟ این پرسش، نقطه شروع این کتاب است «Equity and Excellence in the Public Library» و نویسنده طی دوازده فصل به بررسی چالش‌ها و فرصت‌هایی پرداخته که خدمات‌رسانی در کتابخانه‌های عمومی با آنها مواجه است. سیاستگذاران و متصدیان خدمات عمومی همواره از این صحبت می‌کنند که تک تک افراد باید به بهترین خدمات دسترسی داشته باشند اما در مورد کتابخانه‌های عمومی، این وعده در بسیاری از موارد تحقق نیافته است؛ وضعیتی که انتظارات کاربران بالقوه و بالفعل کتابخانه‌ها را محدود کرده است. فراوان‌اند کتابدارهایی که اعتقادی به مفهوم «بهترین‌ها» ندارند و استانداردها و صلاحیت‌های حرفه‌ای را بی‌اهمیت جلوه می‌دهند. برخی حتی این مفهوم را نخبه‌گرایانه می‌دانند، اما آیا بازتوزیع گنجینه اطلاعات و ایده‌ها واقعاً عملی نخبه‌گرایانه است؟

واقعیت این است که نگرش حرفه‌ای درخصوص الزامات تجاری به بخش لاینفک بحث‌هایی بدل شده که درباره هدف واقعی کتابخانه‌های عمومی و خدمات آنها جریان دارد.

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این خدمات را باید حق بنیادین شهروندان دانست یا آنها صرفاً مانند کالاهایی هستند که طبق سازکارهای بازار توزیع می‌شوند؟ در جوامع مدرن، آنها که حرفه کتابداری عمومی را برمی‌گزینند باید در قبال افرادی که از خدمات این کتابخانه‌ها استفاده می‌کنند، دانش، مهارت، پایبندی شخصی و مسئولیت‌پذیری نشان دهند. برآمدن از پس چالش‌های جهان متغیر، انعطاف‌پذیری می‌خواهد.

کتابخانه‌چی‌ها نباید تسلیم امواج زودگذر و صداهای اغواگرانه پوپولیست‌ها و دیگرانی شوند که شناخت و دغدغه ناچیزی در مورد خدمات کتابخانه‌ها دارند. به‌عنوان بخشی از دستور کار مدرنیزاسیون، کتابخانه‌های عمومی ملزم به برآوردن اهدافی جاه‌طلبانه‌اند. از آنها انتظار می‌رود خدماتی دربرگیرنده (متکی بر ایده برابری اجتماعی) ارائه دهند که علاوه بر کمک به هدف‌های خواندن و آموزش، شهروندی دیجیتال و شمول اجتماعی را تقویت کند. این کار میسر نیست مگر از طریق شناسایی و حذف موانعی که پیش روی دسترسی به خدمات و فعالیت‌های ادغام‌کننده و توسعه آنها قرار دارند. منتقدان خدمات کتابخانه‌ها، از منظر فرهنگ، به از دست رفتن روح این خدمات و تبدیل شدن‌شان به بخشی کوچک و فرعی از فرایند پردازش اطلاعات اشاره می‌کنند.

نویسنده کتاب نیز وضعیت فیزیکی و روان‌شناختی خدمات کتابخانه‌های عمومی را نمادی از شرایط نهادهای فرهنگی به طور عام می‌داند. به باور نویسنده کتاب، محتوای خدماتی که کتابخانه‌ها عرضه می‌کنند باید ناظر به فرهنگ‌ها و نیازهای طیف وسیعی از کاربران باشد.

سیاست‌ها و رویه‌های کتابخانه‌ها باید مشوق مشارکت همه گروه‌ها و افرادی باشد که از خدمات آنها استفاده می‌کنند. در بهترین حالت، کتابخانه یعنی مکانی که در آن، بین آموزش و تفریح، مواد چاپی و الکترونیک، سکوت و هیاهو و دغدغه‌های والدین و آزادی‌های مدنی، نوعی توازن برقرار می‌شود. کتابخانه‌های عمومی با کیفیت، این توانایی را دارند که زندگی فرد یا گروه را متحول کنند.

نویسنده: Bob Usherwood

والایش: پژواک زیبایی از یک طغیان

یک فنجان حرف

رامتین ایمانی نوبر
روانشناس

امیل زولا نویسنده مشهور فرانسوی در یادداشت‌های اولیه‌اش خط مشی فکری‌اش را اینگونه شرح داد: «تأثیر محیط پرتب و تاب مدرن بر جاه‌طلبی‌های عجولانه شخصیت‌ها. محیط واقعی - محل و مکان در جامعه - طبقه شخصیت را تعیین می‌کند. کارگر، هنرمند، بورژوا: خودم و عموهایم، پل و پدرش.» مقصود او از پل، رفیق دیرینه نامدارش پل سزان بود، یکی از تأثیرگذارترین نقاش‌های عصر مدرن در قرن بیستم که پرتره‌هایش به باور بسیاری از منتقدان احتمالاً نشان از خشم وی نسبت به پدرش است. اما چگونه خشم او نسبت به پدرش با آثار هنری جلوه می‌کند؟ این سؤالی است که در این یادداشت به چرایی آن پاسخ داده خواهد شد. بنابراین در ابتدا برای کالبدشکافی این موضوع باید مکانیسم دفاعی والایش (تصعید) را توصیف کرد. مانند دیگر مکانیسم‌های دفاعی این مکانیسم نیز هدفش کاهش اضطراب به‌صورت ناخودآگاه است، با این تفاوت که به‌صورت مستقیم می‌تواند نتیجه مطلوبی هم برای فرد و هم برای جامعه داشته باشد. از این‌رو والایش به‌عنوان مکانیسم دفاعی تعریف می‌شود که شامل هدایت تمایلات ناخواسته یا غیر قابل قبول در جامعه، به یک خروجی سازنده و قابل قبول است. به تعبیری دیگر، فرد با استفاده از والایش به‌صورت ناخودآگاه از ایگو(خود) برابر اضطراب‌ها و پریشانی‌های درونش محافظت می‌کند. به طور مثال مرد جوانی که توسط دختر مورد علاقه‌اش طرد شده، تصمیم می‌گیرد که با قدرت بیشتری به ادامه تحصیل بپردازد یا نوجوانی که هیجانات فرو خورده‌ای دارد، تصمیم می‌گیرد در باشگاه‌های ورزشی یا کلاس‌های هنری ثبت‌نام کند. از این‌رو با نگریستن از عینک این مکانیسم، شاید بتوان یکی از ادله تلاش و پشتکار فراوان عده‌ای از افراد موفق جامعه را که مایه فخر و تحسین و مباهات دیگران هستند پیدا کرد. گویا، این مکانیسم راهی برای گریز از همان هیجان خشم و تنش‌های نهفته درون‌شان است، همان‌هایی که در اوقات فراغت و بیکاری شاید عاملی برای تراوشات فکری آزاردهنده‌شان باشد. اگرچه همان‌طور که گفته شد والایش نتیجه مطلوبی برای فرد و جامعه‌اش خواهد داشت، اما اگر بدل به مانعی ابدی برای رو به رو شدن با تعارض‌ها و تنش‌های درون باشد، می‌تواند آسیب‌زا هم باشد؛ یعنی آنچه که در این اثنا رخ می‌دهد گم‌گشتگی هیجان و احساس است، تا فرد مستأصل از این شود که ریشه اضطراب‌هایش را بیابد، ریشه تمام آن تعارضات حل نشده‌ای که هر از گاهی در خلوت و تنهایی به فرد یورش می‌برند و او را مرعوب می‌کنند، برای آنکه بخواهد به چرایی آن نزدیک و نزدیک‌تر شود. بنابراین در این وادی آنچه که حائز اهمیت است، نادیده نگرفتن اضطراب‌هاست، یعنی حتی اگر فردی از والایش استفاده می‌کند، به‌رغم مزایای بسیارش، باید با اضطراب‌هایی که عامل والایش هستند نیز آشنا شود. با این حال یکی از بارزترین والایش‌هایی که می‌تواند بخوبی بیانگر آن تعارضات باشد و حتی شاید راه علاجی برای آن، هنر است. در واقع کار هنر رسیدن از اخفا به افشاست، به جا گذاشتن احساس در یک اثر و اعتراف به آنچه که مایه اضطراب و تنش و ناراحتی هنرمند است. از این رو، ژان ژاک روسو در کتاب «اعترافات» نوشت: «احساسات را تنها با تأثیری که برجا می‌گذارند می‌توان بخوبی توصیف کرد.» با این تفاصیل حال می‌توان به سؤال ابتدای یادداشت پاسخ داد، به پرتره‌های پل سزان که امیل زولا پرده از حقیقت مهمی از آثارش بر می‌داشت. درواقع پدر پل سزان، فردی تندخو، سرد مزاج و خسیس بود، کسی که پل را مجبور کرد تا به جای هنر، به دانشکده حقوق برود. با این حال پس از فارغ‌التحصیلی سرانجام پل به علاقه‌اش، هنر و نقاشی روی آورد اما پدرش همچنان بی‌اهمیت به عملکرد درخشان پسرش -که روزی بدل به یکی از مفاخر نقاشی می‌شد- بود. به این ترتیب، پل سزان در پرتره‌هایش که خشم خودش را نسبت به پدرش نگاره می‌کرد، درواقع طغیانش را با هنر گره می‌زد، تا با امر زیبایی شناسانه، راز درونش را افشا کند، تا همان‌طور که آلبر کامو در یکی از یادداشت‌هایش نوشت: «در هنر عالی‌ترین سبک‌ها بیان بزرگ‌ترین طغیان‌هاست.» و مکانیسم دفاعی والایش برای پل سزان: پژواک زیبایی از یک طغیان.

عکس نوشت

پوستر «هسته‌های بی‌کران علم» به مناسبت سالروز شهادت شهدای سرافراز عرصه علم و پیشرفت؛ محسن فخری‌زاده و مجید شهریاری تولید و منتشر شد. ۷ و ۸ آذرماه به ترتیب مصادف با سالروز شهادت شهیدان سربلند عرصه علم و پیشرفت؛ محسن فخری‌زاده و مجید شهریاری است که در راه تحقق ایران قوی توسط تروریست‌های بزدل به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. به همین مناسبت، خانه طراحان انقلاب اسلامی پوستر تازه‌ای را با عنوان «هسته‌های بی‌کران علم» تولید و منتشر کرد. عوامل اجرایی این پوستر عبارتند از: تصویرساز: روح‌الله مختاری، طراح نوشتار: مجتبی حسن‌زاده، نویسنده شعار: پویا سرابی. /تسنیم

حضور پررنگ هنرمندان ایرانی در جام جهانی

گروه فرهنگی/ همزمان با برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، بسیاری از گردشگران داخلی و خارجی شاهد حضور پررنگ هنرمندان و گروه‌های هنری کشورمان در شهر دوحه هستند.

جام جهانی یک رویداد نه صرفاً ورزشی که یک اتفاق چندوجهی است و برگزاری نخستین دوره آن در منطقه خاورمیانه با حضور ۳۲ تیم از سراسر دنیا و صرف هزینه‌ای بالغ بر ۲۲۰ میلیارد دلار از جهات گوناگونی می‌تواند برای کشور ما مهم باشد. ورود خیل عظیمی از اقشار مختلف مردم سراسر دنیا از جمله، هنرمندان و فعالان فرهنگی و اقتصادی، که در این ایام در قالب تماشاگر و گردشگر خارجی به همسایگی ما می‌آیند و از سوی دیگر حضور تیم ملی پرقدرت ایران که به گواه بسیاری از کارشناسان ورزشی، یکی از بهترین تیم‌های فوتبال در ادوار گذشته است و قابلیت این را دارد که با عملکرد درخشان خود، کام مردم را برای مدت‌ها شیرین کند، از جمله زوایای دارای اهمیت موضوع است. اما در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر شاهد حضور پررنگ هنرمندان کشورمان در عرصه‌های مختلف هستیم؛ از گروه‌های موسیقی گرفته تا طراحان عروسک و مد و لباس. در این رویداد جهانی، گروه‌های هنری «فرخه»، «آوای موج»، «آنامیس»، «ارکستر سرانه» و «گروه عروسک‌های غول پیکر» فعالیت می‌کنند. گروه آوای موج در دو مجموعه Barahat al janoub و madinatahan به مدت چهار روز روی صحنه رفتند. این گروه موسیقی همچنین در فیفا فن زون اجرا داشت.

گروه آنامیس (میناب) هم در کورنیش و استادیوم بن علی پیش از بازی ایران و ولز و در سوق واقف اجرا داشت. گروه فرخه با اجرای حرکات موزون، در بهارات الجنوب و مدینتهان به مدت چهار روز روی صحنه رفتند. این گروه هنری همچنین در فیفا فن زون و استادیوم بن علی پیش و بعد از بازی ایران و ولز اجرا داشتند. گروه ارکستر رسانه در افتتاحیه نمایشگاه ایران در کتارا روی صحنه رفتند و همچنین پنج شب اجرا در استیج مرکز فرهنگی، هنری مسیلا و همچنین قطر مول را عهده‌دار بودند. از دیگر برنامه‌های هنرمندان ایرانی در جریان رقابت‌های جام جهانی به گروه نقالی برمی‌گردد. این گروه با اجرای بهاره جهاندوست و مرشد ناری در شهرک فرهنگی کتارا اجرا داشتند. عروسک‌های غول پیکر متعلق به گروه حامد زارعان است که در کورنیش به مدت پنج شب و در شهرک فرهنگی کتارا برای حاضران در جام جهانی اجرا دارند. این عروسک‌ها با گروه‌های مختلف موسیقی ایرانی و غیرایرانی نیز به اجرای برنامه پرداختند. برپایی نمایشگاه مد و لباس و صنایع دستی از دیگر برنامه‌های هنرمندان ایرانی در قطر است. نمایشگاه اصلی در شهرک فرهنگی، هنری کتارا برقرار است و مجموعه‌ای از ۱۰ طراح لباس برتر ایرانی در آن به نمایش درمی‌آید. جام جهانی قطر ۲۰۲۲ از ۲۹ آبان ماه آغاز به کار کرده است و تا ۲۷ آذر ماه ادامه دارد. تیم ملی ایران امروز سه‌شنبه آخرین رقابت خود از مرحله گروهی را انجام می‌دهد و در صورت برد مقابل امریکا به‌طور قطع به مرحله بعد صعود می‌کند. تساوی در این بازی هم احتمال صعود ایران را زنده نگه می‌دارد.

هنرمندان در فضای مجازی

ضرر یکصد میلیون دلاری کمپانی دیزنی از فروش انیمیشن «دنیای عجیب»، نصب هفت تندیس از مشاهیر و مفاخر شعر و ادب فارسی کشورمان در خیابان کریم‌خان و پایان فیلمبرداری مجموعه‌ای پلیسی که قرار است از شبکه پنج سیما پخش شود از جمله خبرهایی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

■ **ضرر دنیای عجیب برای دیزنی!**

«دنیای عجیب» دیزنی جدیدترین انیمیشن این کمپانی، در تعطیلات ۵ روزه عید شکرگزاری امریکایی‌ها و با نمایش در ۴۱۷۴ سالن سینما تنها ۱۸.۶ میلیون دلار فروخت تا خیلی کمتر از پیش‌بینی فروش ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلاری ظاهر شود. این فروش بدترین تجربه برای دیزنی در افتتاحیه یکی از فیلم‌هایش است. به گفته تحلیلگران این فیلم حداقل ضرری ۱۰۰ میلیون دلاری را تجربه خواهد کرد؛ مگر اینکه فروشش بالا برود که با توجه به نقدهای متوسط و استقبال کم تماشاگران امری بعید است. از آنجا که این فیلم با بودجه ۱۸۰ میلیون دلاری تولید شده و ده‌ها میلیون دلار هم هزینه‌های بازاریابی و توزیع جهانی آن بوده باید حداقل ۳۶۰ میلیون دلار بفروشد تا ضرر نکند. «دنیای عجیب» اکنون جدیدترین تجربه ناموفق دیزنی محسوب می‌شود که مدتی است روندی تیره و تار را طی می‌کند و مدت‌هاست استانداردهای طلایی‌اش مؤثر نمی‌افتد.

■ **تندیس مشاهیر در خیابان کریم‌خان**

هفت تندیس نیمکت‌نشین از مشاهیر و مفاخر شعر و ادب فارسی کشورمان در راستای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران در راسته انتشاراتی‌های خیابان کریم‌خان زند جانمایی و نصب شد. از دیگر مزایای این اقدام دسترسی آسان به بارکد کی یو آر، کد اطلاع‌رسانی آثار نظم و نثر این شعرا و مفاخر در سایت گنجور است. هدف از انتخاب این مسیر آشنایی شهروندان با دیگر راسته‌های فرهنگی پایتخت بوده و در جانمایی‌ها نیز سعی شده تا تندیس‌ها به صورت موضوعی در مقابل انتشاراتی‌ها نصب شود. تندیس سعدی، مولانا، حافظ، خیام، سنایی، فردوسی و تندیس نظامی گنجوی در مسیر این خیابان نصب شده است.

■ **سریال پلیسی «شهباز» در راه تلویزیون**

تصویربرداری سریال تلویزیونی «شهباز» به کارگردانی حمیدرضا لوافی و تهیه‌کنندگی امیرحسین آشتیانی‌پور و مهدی علینقی‌پور برای پخش از شبکه پنج سیما به پایان رسید. این سریال به نویسندگی مینا خدیوی در ژانر پلیسی معمایی با موضوع فضای مجازی و پلیس سایبری در ۳۰ قسمت ۴۲ دقیقه‌ای تهیه و تولید شده است. این مجموعه تلویزیونی درباره یک گروه سایبری است که به دنبال هکری بین‌المللی هستند. پلیس سایبری با اشراف به این فضا با مجرمان برخورد می‌کند و به داستان مردمی هم که از آنها سوءاستفاده شده و مورد طعمه افراد خلافکار قرار گرفته‌اند، می‌پردازد. در مجموعه تلویزیونی «شهباز» هنرمندانی نظیر آرش مجیدی، علیرضا آرا، رضا داوودنژاد، میلاد میرزایی، مهدخت مولایی، نیما نادری، فاطیما بهارمست، غزال نظر، سیروس همتی، پاوان افسر، فیلیپ ساپرکین، یوفی تیان و... نقش‌آفرینی می‌کنند.